

یکی از ۱۰قله خطرناک دنیا

سال ۱۳۹۰خورشیدی، مجله نشنال جئوگرافی طی اعلام رسمی ۱۰کوه و قله خطرناک دنیا، در رده بندی خود قله دماوند را در رتبه دهم قرار داد.

۲میلیون سال پیش، اولین فوران آتشفشانی دماوند

دماوند، یک کوه آتشفشانی مطبق و نیمه فعال است که عمدتاً در دوران چهارم زمین شناسی موسوم به دوران هولوسین تشکیل شده و نخستین فوران آن، حدود ۱/۷۸میلیون سال پیش رخ داده است. با وجود این، بیشترین شمار فوران آن طی ۶۰۰ هزار تا ۲۸۰ هزار سال قبل رخ داده و عمر این کوه با استفاده از روش کربن ۱۴ دست کم ۳۸۵۰۰سال برآورد شده است.

دماوند نزدیک بن فوران های ود دارد. وجود

م با مجید قهرودی، عکاس نجومی و کوهنوردی که ت دماوند در پیوند با آسمان شب ثبت کرده است

نه دماوند شدم

طبیعت، همواره نقاشان، عکاسان، مستندسازان، شعرا و هنرمندان مختلف کو شیده اند ابعاد گوناگون زیبایی این نگین بی نظیر طبیعت ایران را از مسیر آثار و ادبیات توصیف کنند. در میان همه اینها آنچه در سال های اخیر از نگاه من متفاوت تر و بی مانند تر بوده است، تلاشی است که یک عکاس جوان کوهنورد و خلاق در مسیر شناساندن زیبایی بی نظیر دماوند در آثار خود نشان داده است. مجید قهرودی ۳۳ ساله است و اهل کاشان. همچون سهراب سپهری در نقاشی هم زبردست است. با آمادگی بدنی فوق العاده، بهره مند از دانش نجوم با استعدادی کم نظیر در عکاسی و دید هنری نسبت به موضوعات طبیعت. علاقه اش به ورزش و فعالیت پیوسته، به آمادگی بدنی اش کمک کرده و موجب شده در کوهنوردی و دو چرخه سواری از سرآمدان باشد. می گوید اولین شبی که تا سپیده صبح در کنار دامنه های دماوند بود، شیفته عظمت آن شد و از همان موقع آتشی در دلش روشن شد تا برای ثبت فنی ترین و زیباترین جلوه های طبیعت با الهام از آسمان شب را در سال های اخیر بر فراز دامنه و قله دماوند، سخت ترین صعودها به قله دماوند و قلل پیرامونش را برنامه ریزی کند. در سرمای وحشتناک و در میان تندبادهایی که گاه در ارتفاعات می وزد. با مجید قهرودی درباره این عکس ها و انگیزه ای که در پشت ثبت این نماها وجود دارد به مناسبت ۱۳ تیر، روز ملی دماوند گفت وگو کرده ایم.



فرهزوی کرده بود

دنبال حامی نرفتید؟ یا اصلا حامی برای چنین پروژه هایی پیدا نمی شود؟

دنبال جذب حامی بوده ام. مثلاً یک سری مراکز با دید کسب وکار به این پروژه نگاه می کنند و می گویند بیا یک طرح کسب وکار بنویس که اگر ما از شما حمایت مالی کنیم، این کار چه استفاده اقتصادی و سودی برای ما می تواند داشته باشد. در حالی که خیلی سخت است از چنین کاری درآمد کسب کنیم. مثلاً برنامه دارم بعد از دماوند بروم و به قله های بلند دیگر کشورها صعود کنم و از اجرام آسمانی عکس بگیرم ولی مسأله ای در بحث حمایت وجود دارد و آن این است که معمولاً به جوان ترها برای چنین فعالیت های بزرگی اعتماد نمی کنند. مثلاً من با بودجه ای که ندارم باید بروم دست کم به چهار پنج قله بزرگ دنیا صعود کنم



گذاشت. مثلاً همین برنامه ثبت سایه دماوند سال گذشته خیلی راحت ۲/۵میلیون تومان هزینه برایمان داشت که امسال اجرایش خیلی بیشتر تمام می شود. همان لیدری که ما را تا قله همراهی می کند، دستمزد نسبتاً قابل توجهی از این عدد را دریافت می کند.

عکس ها و ویدئوهای خاص شما از دماوند به شدت در اینستاگرام بازدید داشته و قاعدتاً می توان انتظار داشت فروشگاه های عرضه کننده لوازم کوهنوردی یا نشان های تجاری در حوزه های عکاسی یا لوازم کوهنوردی شما را حمایت کنند، خیلی تبلیغ خوبی برایشان خواهد بود. آیا هیچ وقت با شما تماس نگرفته اند تا حامی تان شوند؟

متأسفانه هیچ وقت این اتفاق نیفتاده است. می گویند به قدری اوضاع کسب وکار خراب است که همین که خود را حفظ می کنند و تعطیل نشده اند، اتفاق بزرگی است. در شرایط فعلی متأسفانه خیلی دشوار است که بتوانم خارج از کشور چنین عکاسی هایی کنم اما اگر دو سه بار بتوانم این کار را کنم حتما حامیانی خوبی از کشورهای دیگر یا شاید از ایران خودمان جلو بیایند.

در گرفتن عکس می بینیم ظرافت خیلی زیادی به خرج می دهی. حتی گاهی به نظر من بیش از حد و در مرز وسواس! مثلاً اگر می خواهی قرص ماه را در بالای قله ثبت کنی، دقیقاً زمان و مکانی را محاسبه می کنی که ماه گویی با شاقول بالای قله تنظیم شده است. در شرح این تصاویر در اینستاگرام هم همیشه تأکید می کنی «می خواهم چیزی را به شما نشان بدهم که شایسته نگاه شما باشد». در حالی که می شود خیلی راحت با استفاده از فتوشاپ چنین عکس هایی را مونتاژ کرد و شاید تنوع بیشتری هم در مونتاژ بشود به کار برد. چه بسا همان اندازه هم بازدید داشته باشد ولی یک و کامنت بگیرد. یا مونتاژ چه مشکلی دارید که رنج چنین سفرهایی را به جان می خرید و این هزینه های سرسام آور را از پس انداز و دسترنج تان می پردازید؟

اعتقاد دارم در مونتاژ این نوع تصاویر ساختگی، صداقت نیست. در مونتاژ هم به خودم دروغ گفته ام و هم به مخاطبم. چرا منظره ای که اتفاق نیفتاده را بسازم؟ من می خواهم به مردم نماهای واقعی و حیرت انگیز از عظمت آسمان بر فراز دماوند را نشان بدهم که به صورت عادی کمتر

کسی امکان دیدنشان را دارد. نمی خواهم با ارائه اثری دروغ به مخاطبم ظلم کنم. ترجیح می دهم سرمنشأ ارائه اثری اصیل و واقعی از عظمت طبیعت باشد. یک نفر باید این عکس ها را می گرفت و دوست داشتم آن عکاس من باشم. برخی عکاس ها وقتی عکس های شما مثل عکس ماه در کنار دماوند را می بینند، می گویند امکان ندارد هم بشود دامنه دماوند را فوکوس شده و با نور خوب ثبت کرد و هم قرص ماه درخشان را آن طور واضح در یک فریم همزمان به تصویر کشید. تفاوت شدت نور این دو باعث می شود در حالت عادی ماه بیش از حد نوردهی شود و دامنه تاریک تر ثبت شود. یا برعکس؛ ولی روشنایی هر دو سوزه در عکس شما طبیعی است. پاسخ شما چیست؟

ببینید، ماه کامل همزمان با غروب خورشید طلوع می کند. وقتی عکس را می گرفتم خورشید هم همان زمان با ارتفاع کم می تابید و همزمان قرص ماه و دامنه دماوند را روشن کرده بود و شدت نور یکدست بود. محیط هم به اندازه کافی روشن بود تا در آن زمان هم قرص ماه و هم دامنه دماوند در یک محدوده نوری باشند. اگر زاویه تابش آفتاب کمی پایین تر یا بالاتر بود این شرایط پیش می آمد. مثلاً اگر کمی بیشتر از غروب خورشید می گذشت و آسمان تاریک تر می شد، در این صورت ماه خیلی پر نورتر می بود و دامنه تیره تر ثبت می شد و این مشکل به وجود می آمد.

پس عکس ها هیچ کدام دابل اکسپوز نیستند؟ به این معنی که در دو شات مجزا گرفته شده باشند، یک بار نوردهی روی ماه تنظیم شده و در شات دوم روی دامنه؟ نه، کاملاً تک شات است.

تا تالان چند بار صعود داشتید به دماوند؟ چند بار روی قله بوده اید در شب؟ ۱۱ بار صعود کرده ام و یک مرتبه شب روی قله بوده ام.

نام تاریخی دماوند، دنباوند بوده است

اغلب منابع تاریخی، نام این کوه سربه فلک کشیده را به دو صورت دنباوند یا دماوند یاد کرده اند اما در برخی مستندات نام های کاملاً متفاوتی همچون بیکنی یا جبل لاجورد نیز به چشم می خورد. از دیگر نام های باستانی این کوه آتشفشانی می توان به دباوند اشاره کرد. دماوند در لغت به معنی دم و دود و بخار است.



ایستاده بر فراز قله توجال، سایه زمین را پس از غروب خورشید می بینید. در دوردست های افق قله دماوند دیده می شود



مجید قهرودی، لحظاتی پس از ثبت عکس سایه عظیم دماوند

باشی... چقدر عجیب! برایمان بگویید شب بالای قله دماوند هوا چقدر سرد می شود؟ وزش باد چطور بود؟ آسمان شب و ستاره های بالای سر چطور دیده می شد؟

آن شب با این که وزش باد خیلی کم بود اما هوا خیلی سرد بود. دما اگر سمت شما در دامنه شمالی در ابتدای شب ۱۵ تا ۲۰ درجه بالای صفر بود، برای ما در قله شاید منفی ۵ درجه بود. البته به خاطر فشار کم هوا در آن ارتفاع به شدت با کوچک ترین وزش بادی سرما احساس می شود و انرژی می برد. احساس آن دما روی قله با احساس همان دما در شهر متفاوت است. نکته جالب دیگر برایم دیدن منظره تهران از روی قله دماوند در شب است. خیلی روزها در تهران می شود دماوند را با چشم غیر مسلح دید. حتی ما از کاشان هم دماوند را با چشم غیر مسلح می بینیم. به همین ترتیب از دماوند هم می شود تهران را دید. این دید در شب بهتر است و عظمت شهر با آلودگی نوری شدید از روی قله دماوند منظره حیرت انگیزی دارد. اما در ادامه آن شب حال یکی از همنورد های ما بد شد و ناچار شدیم پایین برگردیم. نتوانستم از تهران در شب از روی قله عکس بگیرم.

آتقدر فشار و شرایط محیطی سخت می شود که ناخودآگاه دوست دارید فقط برگردید پایین. حقیقتاً عکاسی در آن ارتفاع سخت است. ذهن شما نمی تواند تمرکز کند. بدن تحت فشار است و مغز نمی تواند کار عادی خودش را بکند. به همین علت است که می گویم بدن باید آتقدر آماده باشد که بتواند این فشار جسمی را تحمل و بلکه عکاسی هم بکند و راحت باشید. باور نمی کنید اما حتما تنظیمات ساده سرعت و دیافراگم دوربین در آن شرایط سخت محیطی کار آسانی نیست و باید خوب تمرین کرده و ورزیده باشید. انجام ساده ترین کارهای فکری در آن ارتفاع روی قله سخت می شود و باید برایش از قبل تمرین کرده باشید.

برای آینده چه برنامه ای دارید؟ دوست دارم کماکان از زوایای مختلف دماوند با آسمان شب، خوب عکاسی کنم. اگر حامی مالی بتوانم پیدا کنم می خواهم به زودی برای هیمالیا و قله های ۷۰۰۰متری تلاش کنم و سال بعد از قله های ۸۰۰۰ متری تلاش کنم. البته از کمپ های پایین تر برای عکاسی شروع خواهم کرد.

اصلی ترین برنامه کدام صعود بود؟ ثبت سایه دماوند و قرص ماه بر فرازش اصلی ترین برنامه ام بود. چون این رویداد محدود به یک شب خاص می شد. صعود سرعتی هم به قله دماوند داشته اید؟ از گوسفند سرا (اول مسیر کو هپیمایی) تا قله را با کوله سبک در کمتر از پنج ساعت پیموده ام. رفت و برگشتم در این حالت کمتر از ۱۰ ساعت بوده است.

برای من که یک بار با مشقت به قله دماوند صعود کرده ام، تصور این که بشود در ارتفاع ۵۶۱۰ متری روی بام ایران، شب را به صبح رساند، فوق العاده و هم انگیز و ترسناک به نظر می رسد. شما در این صعودها و همین طور بازگشت از قله دماوند در زمان های مختلف شب و روز حتما مناظر حیرت انگیز دیگری هم دیده اید که شاید اصلاً نمی شد عظمت و خاص بودنشان را با دوربین ثبت کنید. برای خوانندگان جام جم از این تجارب بگویید. از آنهایی که هیچ وقت فراموشش نمی کنید.

اولین چیزی که به ذهنم می رسد، آن شبی بود که سایه دماوند زیر نور ماه را از بالای قله می دیدم... و هم انگیز بود عظمت آن سایه! ۵ مرداد ۹۷ بود؛ همان شبی که قرار بود طولانی ترین ماه گرفتگی

قرن رخ بدهد. آن شب من روی قله بودم و قبل از شروع ماه گرفتگی این سایه بی نظیر را دیدم. از همان بالا نور چراغ قوه های گروه های مختلف را دور تا دور دامنه می دیدم که مشغول رصد و عکاسی از ماه گرفتگی بودند. برایشان با چراغ قوه از بالا علامت می دادم، آنها هم جواب می دادند!

چقدر جالب! آن شب ما و دوستانمان روستای ناندل در پای جبهه شمال شرقی مشغول رصد با تلسکوپ و عکاسی از ماه گرفتگی بر فراز دماوند بودیم. تابش چراغ قوه کوهنوردان از بالای قله را به یاد دارم. مدام تصور می کردم از آن بالا مناظر اطراف چطور دیده می شود و الان چه کسی آن بالا است! اصلاً فکر نمی کردم خود شما آن لحظه روی قله